

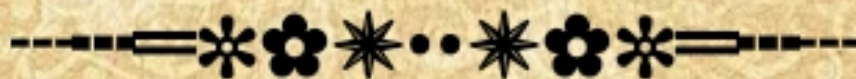
﴿هو الحکیم﴾

عنوان:

حلم ائمه عليهم السلام

سخنران:

دکترو وحید باقر پور کاشانی



اللهم عجل لوليک الفرج



حلم به چه معنای؟ حلم به معنای بردباری در مقابل خشم، خشم درونی در مقابل غضب ایستادن این می‌شه حلم. لذا در زیارت جامعه‌ی کبیره ما می‌بینیم که تعبیرات مختلفی آمده این‌ها رو به‌عنوان منتهای حلم مطرح کردند، در این خصوص بد نیست که دوتا روایت بخونم روایت‌ها رو سریع توضیح میدم.

یک شرح زیارت جامعه کبیره مال علامه‌ی شبریک تفسیر قرآن هم داره ایشان یک جلد، همین نکات رو در چند خط کوتاه گفته تفسیر چند جلدی نیست تفسیر خوبیه، جامعه‌ی کبیره هم همین‌طور، ترجمه‌شده این آقای گل‌شیخی این‌رو آمده ترجمه به فارسی‌ام کرده، شرح زیارت جامعه یک‌نفر بخواد سریع بخونه شرحش‌رو شرح داره پنج جلدی داره چهار جلدی داره این شرح یک جلدیه.. در بحث منتهی‌الحلم.. چاپ کجاست؟ (انواراللامئه فی شرح زیارت جامعه چاپ سوم موسسه‌ی چاپ آستان قدس رضوی). در این بحث دوتا روایت میاره یک روایت میاره ایشان که یکی از غلامان امام صادق، امام صادق می‌بینه صبح هم می‌خوابه شب هم می‌خوابه! خب حضرت دیدن خب کار داره این‌رو آوردن این‌جا که کارهاش‌رو انجام بده، این‌جا آوردن که؛ بر بالین این غلام نشست و شروع کرد آقا به باد زدن! باد زد که خنک بشه! تا این غلام از خواب بیدار شد،

وقتی دید حضرت داره باد می‌زنه، گفت خب شما رو آوردم این‌جا که شب و روز نخوابی روزها کارها رو انجام بده شب‌ها بگیر خواب گفت چشم آقا خدمت از ماست. یک نفر داد هم می‌زنه سرش یک نفر بادش هم می‌زده کیف هم می‌کرده این یک نکته.



یک روایت هم نقل می‌کنن که؛ از آقا علی بن موسی الرضا که آقا علی بن موسی الرضا یکی از این کارکنانی که در این نخلستان بودن یکی می‌بینه این خرماهارو جمع کرد از دیوار پرت کرد بیرون! که بعداً بره که کارش تمام شد خرما رو ببره خونه! این آمد چی کار کرد؟ رفت به امام رضا گفت آقا این دزدی کرد این اومد خرماهارو پرت کرد حضرت گفتن؛ بگید بیاد حضرت گفتن تو این خرماهارو انداختی؟ گفت بله، حضرت گفت؛ تو گرسنه‌ای؟ گفت نه، گفتند؛ برهنه‌ای؟ که این کارو کردی بری بفروشی خرما را، گفت نه، گفت؛ چرا این خرما را گرفتی و پرت کردی بیرون؟ گفت آقا هوس این خرماهارو کرده بودم! خرما و نخل خاصی بود هوس این کرده بودم گفتم این رو بنذازم بیرون که بعدن برم بخورم که حضرت فرمودند؛ خب بگیر برو دیگه، بگیر برو و سپس امام فرمودند؛ که اصلاً هیچ‌گونه تعرضی بهش نکنید! این حلم، منتهاالحلم چنین شخصیت‌هایی که.. مثلاً در مورد امام باقر ع چون صحبت هم شد مرحوم شیخ عباس قمی نقل کرده در منتهی الامال و جای دیگه من دیدم این حدیث را..



فردی میان محضر امام باقر از معاندین بوده اصحاب امام باقر هم دورش بودند می‌گه که «انت بقر» یعنی تو گاوی! بقیه نگاه می‌کنن و اعصابشون بهم میریزه و داغ می‌کنن و می‌گن آقا اجازه بده لت و پارش کنیم داغونش کنیم حضرت می‌فرمایند؛ نه اصلا هیچ تعرضی بهش نکنید! بعد حضرت بهش می‌گه که گاو! کجایی ما به گاو می‌خوره؟! گاو شاخ داره و گاو دم داره، گاو حیوانه، ما آدمیم چنین این می‌بینه حضرت حالش آروم هیچ تغییری نکرده. می‌گه مادر تو یک زن بدکاره‌ای بود بد کرداری بود فحش ناموسی میده حضرت باز بهش نگاه می‌کنن (حالا اگه یک نفر این‌جا این حرف رو بزنه شکمش رو پاره می‌کن دعوا می‌شه آن هم شیعه‌ها منتظر آقا یک چشمک بزنی بریزن بشکنن استخون هارو!) می‌گه اگه تو راست می‌گی مادر من این کاره بود، خدا بیامرزش، اما اگه مادر من این کاره نیست و تو دروغ می‌گی که خدا تو رو بیامرزه، این اصلا می‌مونه با این همه چیز همون‌جا بدنش به لرزه در میاد و می‌افته به پای امام می‌گه اقا دینت چیه؟ از همین مدل از همین حلمی که تو داری من ایمان آوردم و آن‌جا شهادتین رو می‌گه و از شیعیان حضرت باقر می‌شه.